

همبستگی اجتماعی راهی برای رشد فرهنگ دینی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

سید محمدعلی ایازی

فروردین ۱۴۰۱

چکیده

همبستگی پیوند طبیعی افراد جامعه با یکدیگر برای ایجاد نظم و رفتار بهنجار و همکاری و همدردی و کنترل یکدیگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم است. این همبستگی، یکی از آموزه‌های مهم دینی برای انسجام بخشی و کنترل اجتماعی است. براساس این آموزه‌ها، یکی از وظایف اجتماعی اساسی انسان‌ها به ویژه دانایان، نظارت بر اعمال و رفتار همدیگر و حساسیت و توجه به عملکرد یکدیگر است که این احساس موجب می‌گردد که جامعه سلامت خود را در برابر آسیب‌های اجتماعی حفظ کند و توان خود را در انجام آن تقویت کند. نظارت عمومی به معنای دخالت در حوزه خصوصی نیست، دفاع از هنجارهای عام جامعه است که با همبستگی اجتماعی تحقق می‌پذیرد. قرآن فرهنگ اخوت و برادری دینی را سنگ بنای این همبستگی معرفی می‌کند و در سایه‌سار این جامعه ایمانی پارامترهای آرامش و امنیت، صلح و محبت، کرامت و تکریم، تأمین می‌گردد. در این مقاله محوریت بحث در باره روش‌های همبستگی و انواع و شیوه‌های کنترل اجتماعی خواهد بود که در آغاز به مباحث کلی و بخشی از راه‌ها و روش‌های بنیادین کنترل اجتماعی (و نه امور شعائری) که به همبستگی می‌انجامد، خواهد پرداخت.

کلیدواژه: همبستگی دینی، کنترل اجتماعی، دورکیم و نظریاتش در باره همبستگی اجتماعی، انواع همبستگی‌ها.

مقدمه

امروز یکی از مشکلات جامعه رشد روزافزون آسیب‌های اجتماعی و کاهش معنویت است. متأسفانه در این سال‌های اخیر بسیاری از ساختارهای سنتی از بین رفته و ساختارهای ننگ‌دارنده جامعه هم جایگزین نشده است. بسیاری از مناسبات اجتماعی و پیوند خانوادگی و نظارت‌ها کاهش پیدا کرده است و نقش دین و معنویت تخریب شده و فضای یأس بر جامعه حکم فرما شده است. همچنین در سطح عموم از روش‌ها و ابزارهایی استفاده شده که به جای اثر مطلوب پیوند و همدلی، به تشتت و از هم گسیختگی و فردگرایی انزواطلبانه منجر شده است. همبستگی‌های شعائری و مراسم مذهبی هرچند بیش از شکل معمول تبلیغ و بها داده شده، اما کمک چندانی به کنترل اجتماعی نکرده است. در برابر ترویج مراسم دینی موجب ایجاد حساسیت و گریز شده است. باید این شرایط را تغییر داد و طرحی بر اساس واقعیات جامعه امروز ریخت. ابزارهای موجود ارتباطی اگر آموزش داده

نشود، اگر مدیریت نشود، به شکل افراطی در جهت از هم‌گسیختگی آحاد جامعه منجر خواهد شد و به جای امید، یأس و ناامیدی را به بار می‌آورد.

از سوی دیگر سال‌هاست که بخشی از فرهیخته‌ترین مردم جامعه ما، خواسته یا ناخواسته، ناامیدی را به جامعه تزریق می‌کنند. وقتی می‌گوییم خانه از پای بست ویران است، ناخودآگاه امید و نشاط را از افراد پرتلاش و تاثیرگذار جامعه می‌گیریم. وقتی این افراد ناامید شدند، خود به خود جامعه به قهقرا می‌رود. ترویج فضای همدلی، از تلف شدن عمر و سلامتی مردم در مباحثات کم‌فایده و فرسایشی جلوگیری می‌کند و سرعت هر برنامه اصلاحی را در جامعه بالا می‌برد. بخشی از مجالس و محافل ما که باید در جهت همبستگی اجتماعی گام بردارند، تزریق یأس، کینه و عداوت می‌کنند. عزاداری‌ها تبدیل به رفتارهای بی‌معنا و خالی از روح حقیقت‌خواهی شده است. کسی که نگاهی به جامعه کنونی ایرانی داشته باشد، به شدت دل‌نگران سلامت اخلاقی و معنوی آنان خواهد شد. این که دغدغه آینده را باید داشت و این که در این باره مسئله را باید شناخت و از مشکل و فهم جامع و شناخت درستی داشت، وابسته به این است که از تجربه‌ها و روش‌های نوین شناختی و روشی تا چه اندازه استفاده کرده‌ایم. یکی از این روش‌ها تقویت همبستگی جامعه و کنترل اجتماعی است. چون مسئولیت حل مشکل جامعه دینی سنگین و ظریف است و سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی و سستی نسبت به آن غیر قابل گذشت است.^۱

شاید اگر امروز پرسیده شود، بزرگترین مشکل ما چیست در جواب گفته خواهد شد که امروز هیچ یک از نهادهای اجتماعی در جایگاه خودشان نیستند. نه مدرسه ما مدرسه است و نه دانشگاه ما دانشگاه است. خانواده ما آن مسئولیت لازم را به عهده گرفته است و نه نهادهای مدیریتی. دینداری ما هم در جامعه آن دینداری نیست که بخواهد نقش خود را به درستی ایفا کند. به تعبیر مولا علی پس از قتل خلیفه سوم فرمودند: «لَيْسَ الْإِسْلَامُ بُنْسَ الْفَرِّوْ مَقْلُوبًا» (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۰۸). امروز جامعه لباس وارونه شده پوستین را پوشیده است. یعنی این پوستینی که باید حفاظت از سرما و باران کند، وقتی وارونه پوشیده شود، به جای گرم کردن، آب را به خود می‌گیرد و سرما می‌دهد. این نکته جدی را نمی‌توان نادیده گرفت که یکی از مشکلات دوره اخیر قطع ارتباط نسل جدید با مساجد و کانون‌های دینی و تبدیل این مراکز به جریان سیاسی و انحصاری شدن آن در فکر و گروه خاصی است که موجب جدا شدن از همبستگی‌های دینی در این بخش شده است.

۱. در روایتی از امام باقر (علیه السلام) به مناسب این نفرین حضرت نوح که فرمود: «قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» رسیده است، که چون نوح درباره امتش نفرین کرد شیطان آمد و گفت: «تو به من احسانی کرده‌ای که می‌خواهم عوض آن را بدهم». نوح (علیه السلام) پرسید: «پناه بر خدا که من به تو خدمتی کرده باشم، چه احسانی به تو کرده‌ام؟» گفت: «آری تو نفرین کردی خدا/ قومت را غرق کند و دیگر کسی نماند که من رنج‌گمراه‌کردنش را تحمل کنم، و تا قرن بعدی بیاید من راحتم» این روایت می‌گوید تغافل از وضعیت جامعه به قیمت پاک کردن صورت مسئله هدایت و تحمل سختی و دشواری با درخواست نابودی آنان باز گذاشتن دست شیطان است. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۳۲/ نورالثقلین، ج ۵، ذیل آیه و تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۷۲

اینجاست که اصلاح و رشد جامعه دینی ما نیازمند انتخاب روش‌هایی است که بتواند هرچند به صورت آرام‌آرام به سمت اهداف دینی گام بردارد و دینداری نقش خود را به خوبی ایفا کند و همه کسانی که دغدغه آینده دینداری جامعه سالم دارند، راه فهم و شناسائی مسیر را نشان دهد و زمینه استفاده از آن روش‌ها فراهم کند. این روش‌ها وابسته به آگاهی آنان از آموزه‌هایی است که در دین برای تحفظ دینداری داده شده و در تجربه بشری معمول است. نمی‌توان به اهداف دینی در اصلاح جامعه رسید جز این که از دانش‌های مربوط به جامعه چون جامعه‌شناسی و روانشناسی تربیتی غافل شد. این دانش‌ها به صورت علمی و میدانی مسئله آسیب‌ها و کنترل اجتماعی و راه‌های رسیدن به هم‌نوایی هنجاری و هم‌نوایی دانشی و اطلاعاتی را به طور عینی طی کرده و در این زمینه پیش‌نهادهایی به طور ملموس داده‌اند. یکی از این روش‌ها، همبستگی اجتماعی و تقویت روزآمد آن است. البته همبستگی اجتماعی تمام آن راه‌ها نیست؛ ولی شاید یکی از مهم‌ترین روش‌هایی باشد که برای تقویت دینداری و کنترل اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی مفید باشد؛ اما این پرسش مطرح است که این همبستگی چیست و چه چه راه‌هایی دارای اهمیت است.

از طرفی باید بررسی شود که در فرهنگ دینی راه‌های همبستگی در فضای سنتی چه بوده و تا چه اندازه با تحولات جامعه امروز ما قابل کاربست است و چگونه می‌توان آنها را بازسازی و روزآمد کرد و به طور عینی و واقع‌گرایانه بر اساس اولویت‌ها تحقق بخشید. این که در فرهنگ دینی اگر دستورات دینی اجتماعی از قبیل اموری مانند صلح رحم یا رسیدگی به خویشاوندان (ذوی‌الارحام) داده، آیا می‌تواند در شرایط امروز کاربرد داشته باشد، یا اموری که امروز به صورت آداب دینی درآمده، مانند شرکت در نماز جمعه و جماعات، شرکت در تشییع جنازه، همدردی با خانواده‌های مصیبت دیده، و... باید بحث و بررسی کرد، همچنین روش‌هایی که در علوم اجتماعی به اثبات رسیده، که آگاهی از این دانش‌ها کمک می‌کند، هم فهم بهتری از آموزه‌های دین داشته باشیم و هم بهتر بتوانیم از آن روش‌ها به کمک ترویج معنویت و اخلاق و تربیت دینی بهره ببریم.

از یاد نبریم که فرض اولیه ما در این نوشته این است که انسان موجودی اجتماعی و نیازمند ارتباط با دیگران است و این زندگی خوبی و بدی، هنجار و ناهنجاری‌هایی دارد که هرگونه شرایط فراهم شود، جامعه در شکل کلان آن به سمت آن سوق خواهد داد. بنابراین در این مقاله به مباحث کلی همبستگی دینی و بخشی از راه‌ها و روش‌های بنیادین کنترل اجتماعی که به همبستگی می‌انجامد، می‌پردازد.

مفهوم و جایگاه همبستگی اجتماعی

مفهوم همبستگی اجتماعی چیست و چه جایگاهی دارد؟ این همبستگی چه کمکی به دینداری و تداوم آن می‌کند و چه کارکردی در اصلاح و رشد جامعه دینی خواهد داشت؟ همبستگی اجتماعی در زبان عربی به التکافل الاجتماعي و در لاتین معادل: **social solidarity** به کار رفته است. در قرآن از آن تعبیر به الفت ایمانی شده

است. و به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک باشد. در اصطلاح، همبستگی پیوند طبیعی افراد جامعه با یکدیگر برای ایجاد نظم و رفتار بهنجار و همکاری و همدردی و کنترل یکدیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم است.^۱ در قرآن پس از تشکیل جامعه ایمانی که از ناحیه ایمان دینی برخاسته می‌فرماید: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ كَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (انفال: ۶۳). و میان دلهای‌شان اُلفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دلهای‌شان اُلفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان اُلفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است.

اهمیت توجه به شرایط دینی و همبستگی اجتماعی

هدف این همبستگی کنترل و نظارت اجتماعی بیشتر و مفیدتر جامعه است. این کنترل به ابزار و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات جامعه و جلوگیری از کجروی اجتماعی به کار می‌رود، این عنوان، مفهومی مهم و فراگیر در جامعه‌شناسی دارد. مقابل آن نابهنجاری است. از نظر دورکیم (Durkheim، م ۱۹۱۷م)، آنومی با همبستگی مرتبط است. او می‌گوید، هرزمان شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ جامعه بر گرایش‌های فردی دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و اعضای جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. از نظر او چنین شرایطی را آنومی می‌نامد. شرایطی که افراد تعهدی به حاکمیت اخلاقی جامعه ندارند و به صورت درخور ملاحظه‌ای تحت تأثیر آن نیستند. از این رو، افراد احساس اضطراب، پریشانی و کمبود راهنمای اخلاقی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهایشان نابسامان می‌شود و تحت سیطره خودخواهی‌هایشان قرار می‌گیرد. این وضعیت شرایط مناسبی برای انحراف و جرم ایجاد می‌کند و همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایط آنومی ترتیب و ساختار طبقاتی جامعه به هم می‌ریزد و سلسله مراتب آرزوهای فردی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. سپس بازنگری در هنجارهای سنتی از سوی افراد شکل می‌گیرد و از هم پاشیدگی در جریان رضایت‌مندی افراد نیز تخطی یا انحراف از هنجارهای اجتماعی را سبب می‌شود.^۲ از سوی دیگر از نظر دورکیم، منبع اخلاق در درون جامعه است، نه در وجود افراد. نقش جامعه در تعریف اخلاق به اندازه‌ای است که: «جامعه شرط لازم اخلاق است... آدمی به دلیل آن وجود اخلاقی است که در جامعه زندگی می‌کند؛ زیرا اخلاق عبارت است از: همبسته بودن در متن یک گروه و این اخلاق همراه با این همبستگی تغییر می‌کند»^۳.

^۱ دورکیم، ۱۳۷۸، خودکشی، ص ۴۵

^۲ دورکیم، ۱۳۵۹، تقسیم کار اجتماعی، ص ۴۵۸

رشد و تعالی هر نظام اجتماعی در پرتو همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی افراد آن جامعه میسر می‌گردد. قرآن این همبستگی را با عنوان اعتصام به ریسمان الهی تشویق کرده و نسبت به تفرقه و جدائی هشدار داده است. (آل عمران: ۱۰۳) اما این که چگونه می‌توان به این همبستگی رسید، سخن دیگری است. به عبارت دیگر، این که چه عاملی جامعه را استوار نگاه می‌دارد و آن را از افتادن به قعر هرج و مرج و پراکندگی صیانت می‌کند، باید هم از آموزه‌های دینی و هم از تجربه‌های بشری استفاده کرد.

برخی از جامعه‌شناسان ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند و عامل اصلی واگرایی انسان‌ها را جدال و ستیز و کمبود امکانات مادی تلقی می‌کنند. به اعتقاد امیل دورکیم انسان‌ها مخلوقاتی منفعل، تعمیم‌پذیر و بدون برخوردارگی از هویت و شخصیت درونی‌اند که در صورت همبسته بودن با جامعه کمال انسانی به خود می‌گیرند. بر همین اساس، او به شکل ویژه به همبستگی اجتماعی و اخلاقی علاقه‌مند بود؛ لذا او از همبستگی اجتماعی به عنوان یگانگی و تعادل اجتماعی نیز تعبیر کرده است^۱ که زمانی حفظ می‌شود که افراد با موفقیت در گروه‌های اجتماعی ترکیب شوند و با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آداب و رسوم مشترک هدایت و تنظیم شوند^۲.

در جوامع سنتی و نهادهای جمعیتی کوچک مانند خانواده، نقش کنترل اجتماعی به عنوان عنصر مؤثر در رفتار افراد بر اساس هنجارها و ارزش‌های مشترک بسیار پررنگ است. در حالی که در جوامع مدرن و بزرگ‌تر تلاش می‌گردد با جایگزین کردن قانون به جای کنترل اجتماعی سنتی خلأ کم‌کاری آن جبران شود، اما به اعتقاد کارشناسان، قانون نمی‌تواند همواره جایگزین کامل و مناسبی برای کنترل اجتماعی باشد، زیرا قانون نمی‌تواند همه زوایای زندگی را پوشش دهد و از آسیب‌ها و التهاب‌های درورنی پیشگیری کند؛ قانون الزاما همه افراد را زیر پوشش قرار نمی‌دهد. قانون‌گریز گناه‌های فراوان برای اشخاص و نهادهای پر قدرت می‌گذارد، در صورتی که وجدان دینی و تربیت اخلاقی و قدرت معنوی و وجدان بیدار، از درون نگه‌داری می‌کند. در سایه‌سار اعتقاد و تربیت است که جامعه نقش کنترل اجتماعی را به عهده می‌گیرد و بر افکار و عقاید مردم و اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را برای پذیرش نظم و هدایت و رشد و حتی احترام به قانون آماده می‌کند.

دورکیم همواره سخن از واقعیت اجتماعی می‌کند که در همبستگی وجود دارد. از نظر او واقعیت‌های اجتماعی از چنان نیروی بازدارنده‌ای برخوردارند که بر فرد و اراده فردی، غالب می‌گردند.^۳ به بیان دیگر، او اصرار دارد که محرک اصلی کنش در میان اعضای جامعه، بیش از هر چیز دیگر، همان واقعیت اجتماعی است. به اعتقاد او،

^۱ گولد، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۹۰۴. ۱۳۸۴ ش.

^۲ گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۱۵، ۱۳۹۹.

^۳ کوزر، ۱۳۸۹، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ص ۱۸۷

انسان‌ها مخلوقاتی منفعل، تعمیم‌پذیر و بدون برخورداری از هویت و شخصیت درونی‌اند که در صورت همبسته بودن با جامعه کمال انسانی به خود می‌گیرند. بر همین اساس، او به شکل ویژه به همبستگی اجتماعی و اخلاقی علاقه‌مند بود. اما سؤال این است که در چه نمائی و نظام اجتماعی می‌توان جامعه عمل پوشاند. پیشنهاد ما در سایه الگوی دینی و معنوی و اخلاق متعالی است که همه افراد می‌توانند به یکدیگر احترام کنند، مخالف همان منزلتی را داشته باشد که موافق دارد، می‌توان به قانون خوب و پیوند جامعه فکر کرد.

بنابراین برای اصلاح از یک‌سو باید جامعه را برای حفظ نظم و ادامه حیات معنوی ترغیب کرد و در نتیجه افراد را با قواعد و هنجارهای جامعه هم‌نوا ساخت و برای زندگی جمعی و گروهی آماده نمود و هم التزام افراد به هنجارها و ارزش‌های رفتاری دینی و دوری از ناهنجاری‌ها آماده کرد تا از ضررهای احتمالی، پیشگیری شود، در این شرایط است که ضرورت کنترل اجتماعی پایدار توسط الگوهای رفتاری به شکل جدی مطرح شود.

از نظر قرآن خودکنترلی و نظارت بر اعمال و رفتار جامعه، دو گانه این داستان است. زیرا سوئی می‌گوید: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ» (مائده: ۱۰۵) هرکسی مسئولیت خود را داشته باشد، هرچند دیگرانی نخواهند و نباشند. خودکنترلی افراد ارتباط تنگاتنگی با گرایش به جرم و انحراف در آنان دارد. بنابراین خودکنترلی و کنترل درونی به عنوان رابط بین پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار است.^۱

از سوی دیگر قرآن به نظارت عمومی و همگانی اهمیت می‌دهد که تنها با همبستگی اجتماعی و مسئولیت جمعی تحقق می‌پذیرد. قرآن به شکل ظریفی از نظارت و همبستگی به عنوان یک امت یکپارچه یاد کرده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ». (آل عمران: ۱۰۴) که همه مردم یکدیگر را به خوبی و اصلاح دعوت کنند و این در صورتی است که افراد در مقابل دیگران احساس مسئولیت کنند و در صورت مشاهده عملکرد نادرست یا انحراف از اهداف و تخلف از وظایف، (در صورت مقتضی و مهیا بودن شرایط لازم) تذکر و توجه دهند. معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر این است و این حدیث از پیامبر است که فرمود: «كَلِمَةُ رَاعٍ، وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ».^۲ به این معنا است. زیرا وقتی جامعه دچار آسیب‌های اجتماعی نمی‌شود که همه احساس مسئولیت کنند و نظارت بر اعمال و رفتار همدیگر داشته باشند. حساسیت نسبت به چگونگی روند جامعه و توجه به عملکرد یکدیگر این احساس را موجب می‌گردد که جامعه سلامت خود را در برابر آسیب‌های اجتماعی حفظ کند.

قرآن فرهنگ اخوت و برادری دینی را سنگ بنای همبستگی جامعه اسلامی معرفی می‌کند. از جمله عوامل تقویت‌کننده همبستگی اجتماعی توجه به علم و رهائی از جهل، گسترش تفاهم، همدلی و نوع‌دوستی و سپاسگزاری و گذشت است و در سایه‌سار این جامعه ایمانی، پارامترهای آرامش و امنیت، صلح و محبت، کرامت و تکریم،

^۱. راد، فیروز، پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار، ص ۱۹۱، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹.

^۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۴۵۹ ح ۲۰، ابوداود سجستانی، سنن ابی داوود: ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۲۹۲۸.

تأمین می‌گردد و جامعه دچار انحطاط، استبداد، انحراف و ظلم و رانت‌خواری و شکاف طبقاتی و فقر و درماندگی نخواهد شد. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، برای حفظ این اهداف و دفاع از حقوق دیگران و سلامت جامعه است، اتحاد و همبستگی راه رسیدن به کنترل اجتماعی است. نظارت عمومی دخالت در حوزه خصوصی نیست. دفاع از حقوق یکدیگر و اهتمام به زندگی سالم و پاک است.

قرآن از این الگو به زنده کردن تعبیر کرده: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ** (انفال: ۲۴). بلکه آن زندگی پاک: حیات طیب: **«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»** (نحل: ۱۰۶). اهمیت چنین الگویی را می‌توان در آیات دیگری که وقتی سخن از دین می‌شود، سخن از دینی است که در آن دعوت به جامعه و خانه‌ای است که در آن آرامش، صلح و همزیستی باشد: **«وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»** (یونس: ۲۴) و یا امنیت و سلامت را به ارمغان می‌آورد: **«لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»** (انعام: ۱۲۷) برای آنها در نزد پروردگارشان، به پاداش کارهایی که می‌کنند خانه امن و آرامش است و خدا دوستدار آنهاست.

انواع همبستگی‌ها

برای فهم روش‌های همبستگی دینی باید انواع همبستگی را به لحاظ اجتماعی شناخت. جامعه‌شناسان بر اساس ارزیابی جامعه آن را به انواعی تقسیم کرده‌اند.

یکم: همبستگی مکانیکی

همبستگی‌ها معمولاً به دو شکل اتفاق می‌افتد. یکی همبستگی طبیعی با وجدان جمعی و مسئولیت‌های متقابل که افراد در برابر افراد دیگر احساس مسئولیت می‌کنند و نوعی کنش اجتماعی به خرج می‌دهند. همبستگی دیگر از طریق تقسیم مسئولیت است. دورکیم علت همبستگی اجتماعی را دو عامل وجدان جمعی و تقسیم کار اجتماعی می‌داند که هر یک به ترتیب بوجودآورنده همبستگی اجتماعی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی است.

برای همبستگی شاخص‌هایی تعیین شده است، شاخص‌های که در قالب جزا و پاداش معنوی مطرح می‌شود و از آن تعبیر به همبستگی مکانیکی، حقوق تشویقی می‌شود. شخص با احساس رضایت از کار خود اعتماد بیشتری می‌کند و دیگری از شاخص‌های همبستگی مکانیکی حقوق تنبیهی است. در این جوامع تنبیه و مجازات عبارت است از واکنش عاطفی، با شدت معین که جامعه از طریق هیئت نظام‌یافته‌ای در مقابل آن عده از اعضایش که از بعضی معیارهای رفتاری مشخص تجاوز نموده‌اند بیان می‌دارد.^۱

از نظر دورکیم همبستگی مکانیکی، معرف اشکال ماقبل صنعتی جامعه است، یعنی جامعه‌هایی که در آن افراد در مهارت‌ها، تکالیف شغلی، رسوم، اعتقادات و حتی نوعی دین یکسان سهیم هستند. یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های

^۱ دورکیم، ۱۳۸۴، درباره تقسیم کار اجتماعی، ص ۹۰.

این شکل از همبستگی این است که زمانی به بالاترین سطح خود می‌رسد که وجدان فردی اعضای جامعه با وجدان جمعی پرورش یابد و از هر نظر با آن همسان باشد.^۱ دورکیم باور داشت وجدان جمعی در انسجام یا همبستگی مکانیکی، بسیار قوی‌تر از همبستگی ارگانیکی است.

دوم: همبستگی ارگانیکی

همبستگی ارگانیکی مُعرف جامعه‌ای صنعتی و مدرن است؛ جامعه‌ای که در ابعاد متفاوت بر خورداری‌های مالی، وابستگی‌ها و خصوصیات قومی و ادیان و باورها، طبیعتی بسیار ناهمگون دارد. با وجود این، در سطح بالایی از تخصصی شدن مشاغل قرار گرفته است. دورکیم از همبستگی نوع دوم، تعبیر به تقسیم کار می‌کند. وی معتقد است محور تأکید در جامعه برخوردار از همبستگی مکانیکی دو مضمون همنوایی انعطاف‌ناپذیر و مجانست فرهنگی است. در مقابل، همبستگی موجود در جامعه صنعتی، افراد را بر مبنای قانون و وابستگی‌های متقابل با یکدیگر پیوند می‌دهد، نه با ابتدای بر مشابتهای آن‌ها در تجربه‌های زندگی.^۲

به اعتقاد او جامعه تنها حاصل جمع ساده‌ای از افراد نیست؛ بلکه نظامی مرکب از اتحاد افرادی است که به شکل یک واقعیت خاص با خصایص ویژه نمود می‌یابد. در حقیقت، وجدان جمعی باورهایی هستند که اعضای یک خانواده، گروه یا قبیله یا جامعه در آن سهیم‌اند. از دیدگاه او این وجدان جمعی، پویایی خاص در جامعه دارد و هیچ‌گاه بر بستر مادی واحدی متمرکز نیست و در سرتاسر جامعه پراکنده و گسترده است.^۳

تراویس هیرشی جامعه‌شناس که نظریه خودکنترلی بزهکاری را مطرح کرد، معتقد است، دارای چهار عنصر اصلی زیر است: (۱) دل‌بستگی، (۲) درگیر شدن، (۳) تعهد و (۴) اعتقاد باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند و فقدان آن‌ها نقش اساسی در درگیر شدن و گرفتاری افراد به جرم و بزهکاری دارد.^۴ از نظر هیرشی گروهی که اعضایش همبستگی قوی داشته باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آن‌ها همبستگی استواری وجود نداشته باشد.^۵ بنابراین، بین پیوستگی افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن و مشغولیت آن‌ها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد و باور به نظام هنجاری جامعه از یک سو و همنوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر رابطه‌ای مستقیم و با احتمال کج‌رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد.^۶ بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان این گزاره اصلی را مطرح

^۱ آرون ۱۳۷۰، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ص ۳۸۰

^۲ دورکیم، ۱۳۵۹، تقسیم کار اجتماعی، ص ۱۵۵

^۳ دیلینی، ۱۳۸۷، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ص ۱۴۷

^۴ گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۴: ۸۵.

^۵ ستوده، ۱۳۸۷، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۳۹

^۶ صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۵۲

کرد که هرچه میزان انسجام و همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، میزان کنترل اجتماعی بیشتر و به همان نسبت گرایش کج رفتاری و بزهکاری در سطح جامعه کمتر است.

سوم: همبستگی‌های دینی

همبستگی دینی چیزی در قبال آن نوع همبستگی‌ها نیست، اما به دلیل کارکرد ویژه آن که در پیوند ایمانی خلاصه می‌گردد، دارای هویت مستقلی است که می‌تواند از هر دو نوع آن بسا چیزی را وام بگیرد. این همبستگی دارای اقسامی است که بیشتر ناظر به روش‌های تحقق آن است. در قرآن این همبستگی با عنوان (ایمان تقوا) یاد شده و در آیه شریفه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ [مریم: ۹۶] از آن تعبیر به دوستی و عشق یاد شده که یکطرف آن خداست و طرف دیگر آن میان مؤمنان است که قرآن با اخوت ایمانی (حجرات: ۱۳) وجدان جمعی افراد و جامعه را حساس می‌کند و پیوندی دینی به عنوان اخوت را به وجود می‌آورد که افراد را نسبت به یکدیگر ملتزم می‌سازد. این همبستگی‌های دینی بر دو قسم است.

(۱) همبستگی بنیادین:

این اصطلاح در منابع دینی نیامده است، اما در برخی از روایات تعبیر به اصل و فرع و اهم و مهم شده است.^۱ یا بدون آنکه سخن از اصل کند، سنجه‌هایی را مطرح می‌کند که حاکی از ارزش‌گذاری و ترجیح است، مثل آن دسته از روایاتی که با تعبیر لا تنظروا آمده است.^۲ به هر حال منظور آن مواردی است که نقش کلیدی در حیات دینی و التزام جامعه و وجه مشترک میان همه ادیان دارد. صدوق بنا بر حدیثی از امام علی بن حسین (ع) نقل می‌کند که ابی‌مالک می‌گوید، به آن حضرت از عصاره و گوهر تمام ادیان و آنچه که می‌تواند همه آداب دین در آن باشد، پرسیدم: قال قلت لعلی بن الحسین أخبرنی بجميع شرایع الدین؟ فقال: قول الحق و الحكم بالعدل و الوفاء بالعهد،

۱. به عنوان نمونه در برخی از خطب امام امیرالمؤمنین در باره عوامل انحطاط جامعه آمده است: يُسْتَدَلُّ عَلَى ادْبَارِ الدُّوْكِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ .. (غررالحکم، ج ۱، ص ۳۱۶). چهار عامل باعث انحطاط و شکست «دولت‌ها» می‌شود: ضایع کردن اصول (مسائل مهم) و سرگرم شدن به فروع (امور کم اهمیت). یا در روایتی دیگر از امام آمده است: «مَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُتَعَارِفَ، فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأُصُولِ وَ الْفُضُولِ، فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ، وَ يَضَعُونَ الْأُصُولَ. فَمَنْ أَحْرَزَ الْأُصُولَ، اِكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفُضُلِ.. (بحارالانوار، ج ۷، ص ۷۸) علی (ع): «من اشتغل بغير المهم، ضيع الأهم». (غرر الحکم) / ۲۸۳. کسی که به دنبال خرد متعارف است، باید که شناختی از صورت اصول و فضول داشته باشد، زیرا بسیاری از مردم به دنبال فضول هستند و نه اصول و کسی که اصل را یافت، بی‌نیاز از فضل است. علی (ع): لا تداقوا الناس وزنا بوزن، و عظموا أقداركم بالتغافل عن الدنئیة من الأمور.. (تحف العقول) / ۱۶۱

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ أَعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ الْكَافِي (ط - الإسلامیة) / ج ۲، ص ۱۰۵، باب الصدق و أداء الأمانة، همچنین روایتی از پیامبر ص قَالَ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحِجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطَتِهِمْ بِاللَّيْلِ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (امالی صدوق، ص ۳۰۴)

فَهَذِهِ جَمِيعُ شَرَائِعِ الدِّينِ.^۱ از امام سجاد پرسیدم از اصلی از همه شرایع به من خبر بده، فرمود: سخن حق، قضاوت به حق، وفای به عهد.

در این نوع همبستگی، در مرحله نخست اعتقاد و ایمان به خداوند به روش منطقی و قابل قبول است. از طرفی کارهایی که قرآن از آن تعبیر به عمل صالح و اصول اخلاقی (صدق حدیث، ادای امانت) کرده، مانند نماز و زکات و انفاق و صدقات، کارهایی که در ارتباط با دیگران به صورت امدادی، بنیادی و در جهت پوشش خلاهای اجتماعی است، که در گذشته مظاهر آن موقوفات، مدرسه‌سازی، مسجدسازی، بیمارستان و درمانگاه و یا رسیدگی به امور گروهی خاص و یا در شرایط بحرانی، مانند جنگ، زلزله، سیل و اتفاقاتی از این قبیل شکل می‌گیرد، با همان کارکرد و ارتباط نوعی کنترل و پیوند طبیعی افراد جامعه را برای ایجاد نظم و رفتار بهنجار و همکاری و همدردی غیر مستقیم، فراهم می‌کند، که از طرفی در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی پدید می‌آورد و بیش از جامعه قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود. از طرفی به‌طور ضمنی در سطح مددجویان و مخاطبان وابستگی را فراهم می‌سازد. به عنوان نمونه قرآن این تعالیم را در قالب عمل فردی و جمعی با شرایطی معین و در فضای عمل جمعی همبستگی ارائه می‌دهد.

در این آیات که فضائل همیاری را تشویق می‌کند، دو نکته قابل توجه است، یکی اهمیت این نوع همبستگی است که در آیات قرآن با بسامد بسیار و تأکید فراوان نقل شده است.^۲ دیگری ویژگی این گونه از همبستگی‌ها است

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۳۰، با ترجمه محمد باقر کمره ای، اسلامی، ط ۴، ۱۲۷۶ق.

۲. اهمیت مسئله و تبیین این شرایط از این آیات در باب انفاق استفاده می‌شود: ۱. انفاق از بهترین قسمت مال انتخاب شود، نه از اموال کم‌ارزش. از این رو می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ» (بقره: ۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم، انفاق کنید؛ و برای انفاق، به سراغ بی‌ارزش آن نروید در حالی که خود شما، [به هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت. ۲. انفاق از اموالی که مورد نیاز مردم است، باشد: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹) آنها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند) ۳. به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویتهای آنها را در نظر گیرد: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْضَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۲۷۳) [بهتر است انفاق شما] برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند. ۴. انفاق اگر مکتوم باشد، بهتر است: «وَأِنْ تُخْفُواهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره: ۲۷۱) (و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است). ۵. هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (بقره: ۲۶۴) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات خود را با منت و آزار، باطل نسازید). ۶. انفاق باید توأم با اخلاص و پاکی نیت باشد: «يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۶۵) (و [عمل] کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا انفاق می‌کنند). ۷. آنچه را انفاق می‌کند، کوچک و کم‌اهمیت بشمارد، هر چند در ظاهر بزرگ باشد: «وَلَا تَمُنَّ بِتَسَكُّرٍ» (و منت مگذار و عملت را بزرگ مشمار). ۸. از اموالی باشد که به آن دل بسته است و مورد علاقه او است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ». (آل عمران: ۹۲) (هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید مگر این که از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید). ۹. هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند؛ بلکه خود را واسطه‌ای میان خالق و خلق بداند: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْنَاكُمْ

که گفته شده، از جمله آثار خوشایند آن، تأمین امنیت و سلامت اخلاقی و فرهنگی جامعه و احساس روانی آن میان مردم است، چنان که آن را از لوازم حیات اجتماعی شمرده‌اند. این ویژگی اتفاق را از این جمله: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» (محمد: ۳۸) برداشت کرده‌اند. نام‌گذاری بنیادین هم به خاطر سلب و ایجاب آن است که با وجود آن همبستگی خواهد بود و با عدم آن عدم همبستگی است.

۲) **همبستگی اجتماعی شعائر دینی.** منظور نوعی از همبستگی است که با مراسم و شعائر و مجالس دینی و مانند آن حاصل می‌گردد. مفهوم شعائری غیر از شعاری است، شعائری یعنی نشانه و علامت به چیز دیگر نه ظاهری و پوششی. چنانکه قرآن در باره حج فرموده: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره: ۱۵۸). حضور در مراسم سعی صفا و مروه که عملاً به صورت دسته جمعی و با هیبت ویژه اتفاق می‌افتد، خودشان اصلتی ندارند، اصالت از آن حقیقت حرکت توحیدی است که البته در ایجاد همبستگی اجتماعی و احساس همراهی با جمع را فراهم می‌سازد؛ زیرا فرموده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دل‌هاست. همچنین جشن‌های مذهبی، عزاداری‌های حسینی، نماز جمعه و جماعت، مراسم اعتکاف، سفرهای زیارتی، برگزاری اردوهای مذهبی، مراسم تشییع و تجلیل از نام‌آوران مذهبی و اموری از این قبیل را از این قسم می‌توان شمرد که ویژگی مهم آن مشارکت نوعی، هم‌نوایی هنجاری در سطح مؤمنان و علاقمندان دینی و یا حتی غیر دینی می‌کند و شیوه‌ای از کنترل اجتماعی برای افراد به وجود می‌آورد. در نتیجه «هرچه همبستگی میان جوانان، والدین و بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقه‌مند و درگیر در فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر ممکن است کج‌رو و مجرم شوند^۱. شعائری بودن هم به این دلیل است که این‌گونه اعمال حتی با نداشتن التزام دینی و اخلاقی هم سازگار است و نبودنش الزاما منجر به عدم همبستگی نخواهد شد. در مراسم افرادی از ادیان دیگر مشارکت می‌کنند و یا اگر لایبالی هم باشند خود را در این مجموعه قرار می‌دهند.

دلایل و درجه‌بندی همبستگی‌های مذهبی

در آغاز باید روشن شود، که **اولاً** معیار سنجه همبستگی‌های بنیادین و شعائری چیست. **ثانیاً:** مرز میان آنها کدام است. **ثالثاً:** چرا امور بنیادین مقدم بر همبستگی‌های شعائری است. تأکید می‌شود که هرکدام از این دو روش

^۱ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷) (و از آنچه شما را جان‌نشین و نماینده [خود] در آن قراردادده انفاق کنید). ۱۰ انفاق از اموال حلال باشد، چرا که خداوند فقط آن را می‌پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». (مائده: ۲۷) (خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد).

^۱ سلیمی، علی، جامعه‌شناسی کج‌روی، ص ۵۰۱، ۱۳۸۰.

جایگاهی خاص خود را دارند، اما چون در مقام ارزشگذاری؛ بلکه بیان تفاوت در اهتمام و تقدم و سطره یکی بر دیگری است، خصوصاً در صورت تزام اولویت، لذا دسته اول بر دسته دوم به دلایل زیر مقدم است:

یکم: همبستگی‌های بنیادین نقش دائمی و جهت‌دهنده دارند، در هیچ حالتی ارزش خود را از دست نمی‌دهند. به همین دلیل زیر بنا هستند، اما همبستگی‌های موسمی، در شرایط خاص می‌تواند ایجاد همبستگی کند. در مواقعی عزاداری‌ها رقابتی و گاهی اختلاف‌افکن و یا ریاکارانه است. چون از قبیل تحریک‌کننده احساس و عاطفه است. گاهی این احساس از حالت عقلانی خارج می‌شود

دوم: روش‌های بنیادین نوعی کنترل اجتماعی را غیر مستقیم و تدریجی و مشروط فراهم می‌کنند. تحریک‌کننده و تقسیم‌کننده نیستند. مرز نمی‌شناسد، تقابل درست نمی‌کند. رقیب را به واکنش وادار نمی‌کند. انسانی و عقلانی و اخلاقی است، در صورتی که همبستگی‌های شعائری نقش خود را وقتی به خوبی ایفا می‌کنند که بر مبنای همبستگی‌های بنیادی و اعتقادی باشند.

سوم: همبستگی‌های بنیادین در بطن خود هدفمند و روشن‌گر هستند، در صورتی که در همبستگی‌های شعائری در صورتی که شناخت و توجه باشد، موجب همبستگی مفید خواهند شد. وانگهی گاه در آن‌ها اعمالی رخ می‌دهد که بیهوده (قمه‌زدن، زنجیر زدن، از آتش پریدن)، بدعت‌آمیز و خرافاتی و غیرمستند و بی‌خاصیت است و زمینه تمسخر و زیر سؤال بردن دین را فراهم می‌کند.

چهارم: همبستگی‌های بنیادین امیدآفرین و نشاط‌آور است، بدون آنکه داعیه‌ای داشته باشد. مثلاً همیاری‌ها، کارهای مدد‌رسانی از این قبیل است. اما برگزاری عزاداری و یا حج وقتی مفید برای ایجاد همبستگی هستند که مفهوم ضدیت و کینه در آن القا نشود. اعمال معنادار و حیات‌بخش باشند. جنگ دینی و تقابل مذهبی را فراهم نکنند.

پنجم: کلید همبستگی امیدواری است. کارهای بنیادین همگی چنین ویژگی دارند. انسان مؤمنی که در جهت همبستگی گام بر می‌دارد، رفتارش با یأس سازگاری ندارد. افراد ناامید نمی‌توانند کارهای خیریه و جمعی انجام دهند. از نظر آنان تزریق ناامیدی به جامعه، معصیتی نابخشودنی است.

در باره مرزبندی این دو دسته بر اساس چند معیار می‌توان سخن گفت، یکی بسامدی و فراوانی کاربرد آن در آیات و روایات و تأکید ویژه در ترجیح این امور است. **دوم** استفاده از روش مقایسه در قرآن و روایات است. **سوم:** گسترگی تأثیر غیرمستقیم آن است که بدون داعیه و ادعا نقش خود را ایفا می‌کند و چنین ایمانی‌گرایش داوطلبانه‌ای را فراهم سازد.

کنترل اجتماعی با سازکار دینی

کنترل اجتماعی به سازوکارهایی گفته می‌شود که جامعه جهت مجبور ساختن افراد به هم‌نوایی و جلوگیری از ناسازگاری استفاده می‌کند و به مجموع عوامل و عناصر ملموس و ناملموس که یک جامعه در راستای نگاه‌داشتن

معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به نیت جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان مستقر می‌کند، اطلاق می‌گردد؛^۱ از سوی دیگر انسان‌ها به لحاظ روانی مطابق انگیزش‌ها و گرایش‌ها، خواسته‌ها، کشش‌ها، های درونی رفتار می‌کنند. عوامل درونی و بیرونی سبب می‌شود که در برخی موارد رفتار نادرست، قبیح و برخلاف آداب، سنت و هنجارهای متعارف و متداول جامعه از انسان سر بزند. در حقیقت کنترل اجتماعی وسیله هدایت و جهت‌دادن رفتار مردم در مسیرهای پذیرفته و مورد انتظار جامعه دینی است و با فرایند جامعه پذیری که فراهم کننده هم‌نوایی در جامعه است شروع می‌گردد. به تعبیر دیگر نظارت عمومی و کنترل فرایندی اجتماعی است که با استفاده از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد، به دنبال تحقق هم‌نوایی رفتاری اعضای خویش و مقابله با انحراف و کجروی است.^۲

کنترل‌های عمومی مانند همبستگی گاهی از طریق مستقیم و گاهی از طریق غیر مستقیم تحقق می‌پذیرد. روش‌های مستقیم از طریق: (۱) امر به معروف و نهی از منکر، (۲) ارشاد و تبلیغ، (۳) موعظه و (۴) اصلاح ذات‌البین و پیشگیری از نزاع و جنگ است. تفاوت آن دو فریضه نخست در جایی است که معروف و منکر تبدیل به هنجار و ناهنجاری شناخته شده باشد. اما ارشاد و تبیین می‌تواند در حوزه اخلاق و حقوق عمومی باشد و گاهی در حوزه مسائل دینی و احکام که قلمرو و روش آن بحث مستقلی می‌طلبد و از بحث ما برای کنترل اجتماعی خارج است. اما موعظه مانند تبلیغ است، با این تفاوت که در تبلیغ بیشتر زبان توصیف و تبیین است، اما موعظه زبان راهنمایی و دلالت است. اصلاح ذات‌البین در اختلافات میان افراد، خانواده و زن و شوهر و یا در سطح کلان میان ملت و دولت و میان دولتی با دولت دیگر است که در این آیه مطرح شده: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنَّ ... بِالْعَدْلِ وَالْإِقْسَامِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹).

گاهی این کنترل نامرئی و غیرمستقیم و موضوع حساس‌تر همبستگی است. مهم‌ترین رابطه کنترل اجتماعی با همبستگی دینی از آن جهت حائز اهمیت است که همبستگی به کنترل عمومی می‌انجامد و برای ایجاد برقراری نظم و امنیت در جامعه باید رفتارهای اجتماعی معیار و الگو برای آن جامعه تعریف شود تا اعضای آن، شیوه‌ی رفتار اجتماعی مناسب و مورد انتظار در هر موقعیت را بیاموزند.

از نظر جامعه‌شناسان کنترل اجتماعی فرد را مراقبت می‌کند و از بروز کج‌رفتاری در جامعه باز می‌دارد؛ در برخی از روایات از امام علی آمده است: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷) که یک مفهومش این است که هرکار اجتماعی با جمع تحقق پیدا می‌کند و معنای دیگرش این است کسی که با جماعت نیست در کارها موفق نمی‌شود. از آن طرف برای این کار انزوا و یا تک افتادن سم مهلکی است که آرام آرام شخص را می‌خورد، که

۱. ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌های اجتماعی، ص ۱۳۳، ۱۳۸۴.

۲. سلیمی، داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۴۵۲، ۱۳۸۵.

در برخی از روایات تشبیه به مانند گوسفندی شده است که از گله خود جدا می‌شود و در برخی از روایات از امام علی علیه السلام نقل شده: «و الزموا السواد الأعظم، فإن يد الله مع الجماعة، وإياكم و الفرقة، فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب»^۱، همواره سعی کنید که با جامعه باشید، زیرا دست خدا با جمع است و از تکروی و جدائی بپرهیزید، که فرد جدا افتاده از مردم از شیطان است، چنانکه گوسفند جدا شده از گله سهم‌گراست. نزدیک به این مضمون در منابع اهل سنت از پیامبر گرامی رسیده است: «فاتبعوا السواد الأعظم، فإنه من شذ شذ في النار»^۲.

بنابراین، در برابر اولین سد دفاعی، جامعه پذیرش افراد برای نگه‌داری است که شامل خود‌کنترلی، خود‌پنداره^۳ و درونی کردن هنجارهای اجتماعی می‌گردد که فرد را به بازدارندگی درونی نمی‌کشانند و شخص را برای مقاومت در برابر انحرافات و تبعیت از هنجارها مهیا می‌کند. همچنین کنترل اجتماعی به تداوم فرایند جامعه‌پذیری می‌انجامد که موجب پیدایش همنوایی در جامعه می‌شود. به بیانی دیگر جامعه‌پذیری همان همنوایی اختیاری است و هنگامی که همنوایی به شکل اختیاری صورت نپذیرد، زمینه کج‌رفتاری فراهم می‌گردد.

از طرف دیگر ساختارهای کنترل اجتماعی جهت برقرار ساختن هنجارها و انتظارات جامعه عمل می‌کند و در جهت انتقال ارزش‌ها به افراد جامعه و سپس کنترل و نظارت بر رفتار آنها تلاش می‌کند.^۴ از جهت دیگر این کنترل‌ها گاهی جنبه مستقیم و ناظر به اعمال قانون دارد و تعیین مجازات‌هایی از قبیل حدود و دیات و یا کفارات برای این هدف است. یا قوانینی که در جوامع تنظیم و رسمیت پیدا می‌کند تا همه مردم بدانند از این مسیر باید رفت و آمد کنند و گاهی جنبه غیرمستقیم پیدا می‌کند که ناظر به اقناع یا تشویق و شیوه‌های مشابه است که در ساختار اجتماعی و پیوندهای عام جریان دارد.

اما آنچه که به بحث ما بیشتر ارتباط دارد و در حوزه دین‌داری مطرح است، کنترل‌های غیررسمی و غیرمستقیم است. کنترل غیررسمی دین از طریق تعمیق بخشیدن به ایمان و باورهای دینی است، ایمان به خداوند، ایمان به روز جزاء و ایمان به پیامد رفتار صورت می‌گیرد که همراه با ضمانت‌های اجرایی، پاداش و تنبیه کارآمد برای رفتارهای بهنجار و نابهنجار، سبب بیشتر شدن انگیزه و همنوایی بهتر افراد می‌شود.

در حقیقت، آنچه اهمیت دارد و برآمد همه کنترل‌ها است، همبستگی اجتماعی و همنوایی آحاد جامعه و تأثیر نفوذ آن در اعضای جامعه به‌منظور تغییر عقاید یا رفتار آنها است که از مهم‌ترین اهداف کنترل اجتماعی محسوب

^۱ . نهج البلاغه : خطبه ۱۲۷؛ الجامع الصغیر و شرحه فیض القدر، ج ۲ ص ۱۳۰۲ رقم. (۳۹۵۰)

^۲ . صحیح الترمذی، ۲۱۶۷. همراهی با جماعت داشته باشد. کسی که خود را از جامعه جدا و به کناره می‌کشانند، در دامن آتش قرار می‌گیرد.

^۳ خود‌پنداره (self-control) تصویری است که هر کس از خود در ذهن دارد. به باور روانشناسان، قسمت عمده ویژگی‌های شخصیتی، منش و خصوصیات رفتاری هر فرد به تصویری که خود در ذهن دارد، یعنی "خود‌پنداره" بستگی دارد.

^۴ ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌های اجتماعی، ص ۱۳۳، ۱۳۸۴.

می‌شود که به شکل همنوایی و اطاعت‌پذیری ظهور و بروز پیدا می‌کند. افراد عموماً به قواعد و هنجارهای اجتماعی متعهد می‌شوند و خود را ملزم به انجام و رعایت آن‌ها می‌دانند.

در میان صاحب‌نظران تبیین کنترل اجتماعی، معروف‌ترین نظریه‌پرداز، تراویس هیرشی است. هیرشی پیدایش کج‌روی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند. هیرشی به‌جای آن‌که مانند دورکیم افراد را به‌عنوان منحرف یا منطبق ببیند، بر این باور بود که رفتار، بازتاب‌دهنده درجات مختلف اخلاقیات است. او چنین استدلال می‌کرد که قدرت هنجارهای درونی شده، آگاهی و تمایل برای تأیید، رفتار رایج را تشویق می‌کنند. جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند. برای مثال، او بر آن است «که هرچه همبستگی میان جوانان، والدین و بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر ممکن است کج‌رو و مجرم شوند».

شیوه‌های کنترل اجتماعی

در فرهنگ دینی شیوه‌های کنترل بر اساس تقسیم کنترل به مستقیم و غیر مستقیم، مباحث مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات و بررسی کج‌روی‌ها برای به دست آوردن ابزارهای کارآمد برای مقابله با انحرافات و ناهنجاریهای اجتماعی و رسیدن به کنترل اجتماعی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. صله رحم و ارتباط با بستگان

یکی از روش‌هایی که در معارف دینی به آن تأکید شده، پیوند مداوم با بستگان و خبرگیری از آنان است. اهمیت این آموزه دینی در تحکیم خانواده و همبستگی در جهت شناخت، حمایت و همدلی با آحاد جامعه و بلکه نوعی کنترل اجتماعی غیرمستقیم است. بلکه می‌توان در سطح کلان‌تری عزت و قدرت و پیروزی یک ملت را در سایه وحدت و همدلی دانست که به روش‌های مختلف از آن جمله صله‌رحم و پیوندهای دینی بنیادی و شعائری حاصل می‌شود. بدون شک پیوند با خویشان و انس و الفت با آنها منشا بیشتر همبستگی‌ها و کنترل اجتماعی است. در باره صله رحم از چند جهت می‌توان اشاره کرد. یکی در باره مقومات صله رحم است، یکی در باره موضع پرسامد قرآن در باره این همبستگی است که خداوند ما را به صله رحم بسیار سفارش کرده است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.» (نساء: ۱) پروا کنید از خدایی که به نام او از یکدیگر می‌پرسید و از خویشاوندان که خداوند بر شما مراقب است. «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا

^۱ سلیمی، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی کج‌روی، ص ۵۰۱.

أَمَرَ اللَّهُ بِه أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (رعد: ۲۱) عاقلان کسانی هستند که آنچه خداوند متعال امر به پیوند آن کرده (مانند صله رحم و دوستی پدر و مادر و محبت اهل ایمان) اطاعت می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از سختی هنگام حساب می‌اندیشند. از طرفی برای چیزهایی که سبب پیوند با خویشان می‌گردد، حد خاصی تعیین نشده؛ بلکه به فهم عمومی بستگی دارد. در عرف و عادات و سنت‌های مردم نزدیک یا دور بودن بستگان تفاوت دارد. چنانکه صله رحم می‌تواند اشکال مختلفی از تماس و ارتباط و پیوند و رسیدگی و توجه عاطفی معنا داشته باشد.

در باره آثار صله رحم به جز گسترش محبت و دوستی در جامعه و با خبر شدن از وضعیت و مشکلات آنان و تحریک احساس و عاطفه و همیاری و دور شدن از حالت انزوا و تنهایی و تقویت روحیه و داشتن احساس اعتماد موجب همبستگی و حس اعتماد میان آحاد جامعه خواهد شد و تأثیر فراوانی در تقویت روح و کنترل اجتماعی خواهد داشت و از بخشی از ناهنجاری‌های که از ویژگی انزوا است، مانند التزام افراد به هنجارها و ارزش‌های رفتاری دینی و دوری از ناهنجاری‌ها آماده سازد و از ضررهای احتمالی، پیشگیری کند. در روایتی منقول از امام صادق (ع) است: صله رحم، خُلق را نیکو، آدم را سخاوتمند و نفس را پاکیزه می‌سازد.^۱

۲. تشویق و پاداش

از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های کنترل اجتماعی و جلوگیری از کج‌روی و تشویق هم‌نواپی از ضمانت‌های اجرایی مثبت، اعطای پاداش‌های رسمی یا غیررسمی به افرادی است که رفتار آن‌ها به‌نجار است و هم‌نوا با جامعه حرکت می‌کنند.^۲ یکی از روش‌های تشویق مشارکت دادن آنان در کارهای اجتماعی و واگذاری مسئولیت است. این در برابر صورتی است که نظام سیاسی به فساد و الیگارش‌ی روی آورده و تنها افراد وابسته خود را حمایت و تقویت می‌کند و پست‌ها را به فرزندان و بستگان و همفکران خود می‌دهد و یا فردی که در سطح علمی به مرتبه‌ای رسیده، به جای تشویق جامعه را محروم از استفاده از آن می‌کند. همچنین یکی از روش‌های تشویق افرادی است که اصلاح شده و یا در مسیر اصلاح قرار گرفته‌اند.

۳. تشویق رسمی و عمومی کلامی یا غیر کلامی

برای تشویق افراد به‌نجار و هم‌نوا، اعطای مدال، اضافه حقوق، اعطای تشویق‌نامه از تشویق‌های رسمی و عمومی است که سبب کنترل رفتار افراد می‌شود. این تشویق‌ها گاه از سوی مبلغ دینی زمینه پذیرش سخنان او را فراهم می‌سازد. از طرفی ایجاد فرهنگ تشویق و اولویت این کار بر تنبیه و مجازات و یا عمومی‌سازی فرهنگ تشکر کمک می‌کند تا زمینه اطمینان و اعتماد اجتماعی فراهم شود و افراد احساس قدردانی دیگران را بکنند. این که در

^۱ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۰.

^۲ صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۲۴؛ هلاکویی، ۱۳۳۶، جامعه امروز، ج ۱، ص ۲۰۵.

معارف دینی این همه به مسئله سپاسگزاری اهمیت داده شده و گفته شده است. در فرهنگ معاشرت و ارتباطات و روابط اجتماعی نیز فرهنگ تشکر از یکدیگر به عنوان یک شاخص اسلامی مطرح است. در روایت از امام رضا علیه السلام است: « مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ »^۱ هر کس در مقابل احسان و نیکی بندگان خداوند شکرگزاری نکند خدا را شکر نگفته است. چنانکه قرآن کریم تشکر از خدا را قرین با ذکر پروردگار می‌داند و می‌فرماید: « فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ». (بقره: ۱۵۲). اما سوی دیگر این تشویق رسمی صورت عملی دارد به این معنا که نهادهای اجتماعی از خادمان، فعالان و پیشگامان یک موضوع اجتماعی تشویق و یا معرفی شوند.

۴. تشویق غیررسمی

تشویق غیررسمی افراد گاهی در قالب لبخند زدن، تبریک گفتن، احترام گذاشتن بیشتر به افراد می‌تواند انگیزه رفتارهای صحیح را بیشتر کند. و گاه در قالب کارهای جمعی مذهبی با نماد دینی باشد. این کار با روش‌های مختلف ممکن است. گاهی این تشویق در قالب کارناوال‌های مذهبی و مبلغان بدون خودنمایی می‌تواند چنین نقشی ایفا کند. در غرب کلیسا در حوزه بهداشت و امور عام‌المنفعه فعال است. این کار اگر در شکل ظاهرسازی و پررنگ کردن امور مذهبی نباشد، که شکل ریائی پیدا کند، می‌تواند از شیوه‌های کنترل اجتماعی تلقی شود.^۲

۵. پیشگیری:

از کاربردی‌ترین راهکارهای کنترل اجتماعی، پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها است که بدون شک کاهش قابل توجه در صرف نیروها و هزینه‌های کنترل اجتماعی را در پی خواهد داشت؛ این پیشگیری به اشکال مختلف ممکن است. گاه در سطح خانواده است که باید به پدر و مادر و یا فرزند بزرگ‌تر آموزش داده شود و گاه از طریق آموزش مربیان و مبلغان است و گاه از راه وضع قوانین مناسب حمایتی، ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر، افزایش مراکز مشاوره اجتماعی، بالا بردن کیفیت آموزش‌های علمی و تربیتی امکان‌پذیر است.^۳ گاهی نزاعی میان خانواده و اختلاف خانوادگی را با گفتگو و تشویق برای یافتن راه‌حل‌های مشاوره‌ای و اصلاح از مسائل و مشکلات بعدی جلوگیری می‌کند. مشکل اعتیاد و یا انحراف جنسی و یا بیماری‌های مسری. در روایتی از امام علی رسیده است که مجازات آخرین راه حل است: « آخر الدواء الكي ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸). آخرین درمان

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، آل‌البیت، نوبت اول، ج ۱۶، ص ۳۱۳، حدیث ۲۱۶۳۷. چاپ قم، ۱۴۰۹ ق.

۲. سوگمنده در هجمه به کارهای دینی گاه زیارت رفتن تمسخر می‌شود که مردم چرا پول‌های خود را در امور دینی خرج می‌کنند اما در مسائل نیازمندان خرج نمی‌کنند، در حالی که همین افراد برای سفر رفتن به آنتالیا، تایلند و سفرهای اروپائی با هزینه‌های گزاف اشکالی ندارند. در حالی که در بسیاری اوقات افراد مذهبی پس از سفر خود مبادرت به ولیمه، میهمانی، یا پرداخت کمک به فقرا یا وجوهات دینی می‌کنند، اما افراد آنتالیا رو چنین کاری را نمی‌کنند.

۳. ر. ک: سلیمی، داوری، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۵۲۶.

داغ کردن است. کنایه از این که وقتی می‌توان گرهی را با دست باز کرد، نباید با دندان باز کرد. وقتی می‌توان با پیشگیری بسیاری از آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی جلوگیری کرد، استفاده از روش‌های تنبیهی و کیفری کاری عبث و غلط است.

۶. تبیین و اقناع:

واداشتن درونی افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی، با وسایل گوناگونی چون تبلیغ، پاداش، اعتبار، اعطای درجه، تمجید و تشویق و قدردانی^۱ به لحاظ دینی اگر جایی که اشکالی دارند و یا تهاجمی به معارف دین می‌کنند، به جای تکفیر و طرد و یا هیاهو، از روش عاطفی و منطقی با مسئله برخورد کردن و حتی از اشکال او استقبال کردن، تا زمینه اقناع فراهم گردد. در محور مسائل دینی و اخلاق و هنجارهای دینی بهترین روش برای همراهی استفاده از روش اقناع از طریق گفتگو و برگزاری جلسات و میزگردها و مشارکت مخالفان است. به جای روش اتهام زنی و تکفیر و یا تندروی و مجازات این واداشتن درونی افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی است. قرآن در این باره می‌گوید: « ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ». (نحل: ۱۲۵). دعوت به راه خدا از طریق حکمت یعنی اقناع مخاطب، یا مجادله به احسن است.

۷. اصلاح ذات‌بیین

یکی دیگر از روش‌های کنترل اجتماعی در جهت ایجاد همبستگی که از مقوله امور بنیادی است، فرهنگ اصلاح‌گری است. زیرا یکی از محورهای مهم فعالیت جامعه در جهت ایجاد همبستگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پادرمیانی و اصلاح ذات‌البین به تعبیر قرآن است: « فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ » (انفال: ۱) این فعالیت اجتماعی بخشی از کنترل اجتماعی با رویکرد اخلاقی است. هدف این کار، ایجاد آرامش، تخفیف خشونت؛ بلکه ترویج مهارت تعامل میان جامعه و برخورد منطقی و معقول به جای نزاع و جدال و ایجاد کینه است. این آموزه دینی در منابع اسلامی به شکل‌های مختلف بیان شده، مانند خاموش کردن آتش کینه و ایجاد صلح و آشتی دادن به خصومت‌ها. زیرا سعی و کوشش برای اصلاح میان مردم یکی از نکته‌های اخلاق سلامت و آرامش اجتماعی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اهمیت فوق‌العاده‌ای به آن داده شده است. اینک به برخی از آن آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

قرآن مجید می‌فرماید: **أَنَّ الْمُمْئِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**. (حجرات: ۱۰). مؤمنان برادر یکدیگرند. بنابر این میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید و در جای دیگر می‌فرماید: **وَالصُّلْحُ خَيْرٌ**. (نساء: ۱۲۸). صلح و آشتی بهتر است. در روایات اسلامی هم به اندازه‌ای به این موضوع (اصلاح ذات‌البین) اهمیت داده شده و به عناوین مختلف مردم را به این امر تشویق

^۱ ساروخانی، ۱۳۷۷، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۶۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۴

و ترغیب کرده است. در بعضی از این روایات به عنوان بهترین صدقه و در روایتی دیگر به عنوان بهترین عبادت از آن یاد کرده اند. فیض کاشانی در تفسیر صافی ذیل آیه: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا» (حجرات: ۱۰) از حضرت امام صادق علیه السلام روایتی نقل می کند که فرمود: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارَبَ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا»^۱. صدقه و بخششی را که خدا دوست می دارد، اصلاح بین مردم است هنگامی که به فساد گرایند [با یکدیگر اختلاف پیدا کنند]، و نزدیک ساختن آن ها به یکدیگر است، زمانی که از هم دور شوند. از نظر امیرمؤمنان علیه السلام اصلاح بین مردم برترین عبادت است، که در آخرین وصایای خود آنگاه که در بستر شهادت بود به فرزندانش وصیت کرد و فرمود: «فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: صِلَاحَ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنَ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ»^۲. از جد شما [پیامبر] (ص) شنیدم که فرمود: اصلاح بین مردم از همه نماز و روزه ها برتر است. به همین دلیل در دعای مکارم الاخلاق امام سجاد یکی از خواسته های اجتماعی که با سه تعبیر بیان شده، در جهت فروکاهش دادن دشمنی ها، حل اختلافات و اصلاح و رفع شقاق میان مسلمانان است: «وَ وَضَمُّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ». و به هم پیوستن تفرقه جوینان. وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ. و آشتی دادن میان افراد متخاصم.

۸. ایجاد حس مسئولیت و تعهد

یکی از روش های کنترل آموزش افراد از دوران کودکی و نوجوانی نسبت به احساس مسئولیت و وجدان کاری است. تعهد، جزء عقلانی در رعایت هنجارها است. در قرآن به وفای به عهد تأکید بسیار شده است. مانند: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴) به پیمان های خود وفادار باشید؛ زیرا از پیمان ها سؤال خواهد شد و در آیه دیگری هم آمده است: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ أَنَان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند». (مؤمنون: ۸) این سه آیه جایگاه پیمان را در قرآن روشن می سازد و اهمیت ویژه آن را بیان می کند. «وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام: ۱۵۲). وقتی ایمان دینی در جامعه رشد کند، نوعی صیانت را بوجود می آورد. البته در معنای عقلانی آن به طور کلی، میزان تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین کننده است. جوانانی که تعهد و ارتباطات محکمی با والدین و مدرسه دارد، تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه می شوند. اگر جنبه سلبی آن ملاحظه شود، مفهوم آن ترس از رفتار قانون شکنانه است. وقتی که فرد آموزش دینی داشته باشد و تعهد را وظیفه بداند، به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه نمی افتد، این مسئله شامل امور مادی هم می شود که خطرات از دست دادن سرمایه گذاری قبلی خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر می گیرد. در صورتی که فرد توانسته باشد چنین شخصیتی را از خود نسبت به دیگران درست کرده باشد، یا آوازه مثبتی از خود بر

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۲.

۲. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۴۱.

جای بگذارد، خانواده حمایت کننده‌ای به وجود آورد، و یا اعتبار و شهرتی به هم بزند، با نقض تعهد شخصیت خود را زیر سؤال می‌برد.

۹. نقش والدین و خانواده

پدر و مادر دو پایه و بنیان خانواده هستند. این دو عضو خانواده تاثیرپذیری بسیاری بر تربیت فرزندانشان دارد. پیوند بین والدین و فرزندان بهترین و تقویت آن مهم‌ترین عامل در جلوگیری از رفتار بزهکارانه است. هرچه خانواده‌های منسجم‌تر باشد، توانایی حفظ یک تصویر مثبت در فرزندان افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر کاهش نظارت‌های غیررسمی در محیط اجتماعی غیر از محل سکونتشان و ضعف پیوند با خانواده بیش از پیش آنان را به سوی رفتارهای کجرو و بزهکاری‌های بعدی سوق می‌دهد. یکی از روش‌های کنترل افزایش سهم پدر و مادر در ارتباط و تربیت و حضور در زندگی جوانان به صورت فعال است. متأسفانه امروز این نقش حتی کم‌رنگ شده و هرچه بیشتر می‌گذرد، هم پدر و مادر این نقش را به مدرسه و جامعه می‌سپارند، هم شرایط شغل و زندگی جامعه شهری و صنعتی و توزیع ناعادلانه امکانات به ویژه در شهرهای دور افتاده این نقش را کاسته است، در صورتی که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی خانوادگی و پیوند وجود داشته باشد، بیش از دیگر جوامع (که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند) زمینه کنترل وجود دارد. برای مثال، هیرشی بر آن است «که هرچه همبستگی میان جوانان، والدین و بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر ممکن است کجرو و مجرم شوند^۱. از نظر وی، جرم و بزه نتیجه پیوندهای ضعیف یا قطع شده با جامعه است. او بیان کرد یگانه علتی که سبب می‌شود مردم برخلاف طبیعت اخلاقی خود حرکت کنند و از قوانین جامعه پیروی کنند، پیوندهایی است که با فرد یا کانون‌هایی دارند که این همبستگی را رشد می‌دهند. این مسئله در باره کودکان و نوجوانان بیشتر صادق است. به طور کلی فرزندان اولین چیزی که از والدین می‌خواهند حمایت و قرار دادن در جمع است. به جای اینکه با آنها با روش تند و تیز و با خشونت و خط و نشان کشیدن رفتار کنیم، یا با آنان فاصله داشته باشیم باید با آنها دوست باشیم تا مشکلاتشان را با فرزندان خود مطرح کنند و ما را در جریان مشکلاتشان قرار دهند.

^۱ سلیمی، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۵۰۱

۱۰. داشتن شغل و یا کار

یکی از آفت‌های از همبستگی و فراهم شدن آسیب‌های اجتماعی از نظر اسلام تنبلی و بی‌عاری و تن‌پروری است. این مسئله دو جنبه دارد، یکی بی‌توجهی جامعه و حکومت نسبت به ایجاد اشتغال است. همچنین در نظام تربیتی برای ایجاد مهارت فعالیت جدیت داشته باشد و فرصت‌های شغلی و مهارتی فراهم سازد و از طرفی مردم و نهادهای اجتماعی در تعهدات جمعی مواظب بیکار شدن افراد و ترویج روحیه کار باشند. اما مهم‌تر تربیت خانوادگی برای دوری از تنبلی و بی‌عاری است. هر دوی آنها مهم است. به لحاظ دینی در روایات در اهمیت شغل و فعالیت آمده است: «الْكَسَلُ يُضِرُّ بِالْدِّينِ وَ الدُّنْيَا»^۱ کسالت و تنبلی هم به دین و هم به دنیا آسیب می‌رساند. در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضُّجْرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ... مَنْ كَسَلَ كَمْ يُؤَدُّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ كَمْ يَصْبِرُ عَلَى حَقٍّ»^۲ از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی است و کسی که تنبل باشد نتواند حقی را برجای بگذارد و کسی که بی‌حوصله باشد نتواند که بر حق شکیبایی ورزد. در روایت دیگری از امام صادق نیز آمده است: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضُّجْرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^۳ از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند، حتی در روایات تعلیم داده شده که چگونه با این مشکل به صورت شخصی برخورد شود. مثلاً در روایتی از امام علی (ع) فرمود: «ضَادُّوا التَّوَانِي بِالْعَزْمِ»^۴، با عزم و اراده به جنگ سستی بروید.

بر اساس بیان این روایات که در مذمت این آفت بزرگ است که اگر کسی گرفتار این صفت منفی و خصلت مذموم شد، که چه آسیبی فرد و جامعه را تهدید می‌کند، مثلاً شخص تنبل برای ورود به کارهای زشت مانعی در برابر خود نخواهد دید، انسان تنبل و تن‌پرور برای اداره زندگی به هر کار زشت و پلشتی دست خواهد زد، منتظر خواهد شد که برای او دیگران کاری درست کنند و از طرفی برای نان ستایشگر دنوان خواهد شد. این معنا نیز در جامعه‌شناسی هم مطرح شده و خطرات بی‌کاری را مطرح کرده مثل درگیر شدن به فعالیت‌های زندگی روزمره مانند کار، خانواده، تحصیل و سرگرمی و ... تا جایی که افراد را چنان به خود مشغول می‌کند که زمانی برای ارتکاب کجروی یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی‌ماند. هیرشی معتقد است که وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌پذیر کشیده شود.^۵ این تفکر

۱. حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۷، ص ۷۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۵.

۴. صدوق، ثواب الأعمال: ۱ / ۶۲ / ۱. (۹) تحف العقول: ۲۸۵.

۵. شفا زاده، احمد، بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن، راهبرد اجتماعی فرهنگی سال هشتم، ش ۳۳، ۱۳۹۸ ش.

که «دست بیکار، کارگاه شیطان است» در واقع دلیل اصلی این گفته هیرشی است که می‌گوید: «کودکی که بینگ‌پونگ بازی می‌کند، در استخر عمومی شنا می‌کند، یا تکلیفش را انجام می‌دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی‌زند. پس بخشی از مبارزه با تبلی به پدر و مادر و شیوه تربیتی آنان باز می‌گردد و بخشی به جامعه و حکومت که جدا از مسئولیت دولت در ایجاد اشتغال و یا فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و علمی و یا تأمین امکانات ورزشی و یا برنامه‌های سرگرم‌کننده که جوان را مشغول به کاری بکند، گروه‌های مذهبی و یا کانون‌های دینی لازم است در کنار اماکن چنین شرایطی را فراهم کنند.

جمع‌بندی

امروز یکی از مشکلات جامعه رشد روزافزون آسیب‌های اجتماعی است. بسیاری از مناسبات اجتماعی و پیوند خانوادگی و نظارت‌ها کاهش پیدا کرده و نقش دین و معنویت تخریب شده و فضای یأس بر جامعه حکمفرما شده است. یکی از راه‌ها همبستگی پیوند طبیعی افراد جامعه با یکدیگر برای ایجاد نظم و رفتار بهنجار و همکاری و همدردی و کنترل یکدیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های همبستگی این است که زمانی به بالاترین سطح خود می‌رسد که وجدان فردی اعضای جامعه با وجدان جمعی پرورش یابد و از هر نظر با آن همسان باشد. همبستگی دینی دارای اقسامی است که بیشتر ناظر به روش‌های تحقق آن است. بنیادی و شعائری. همبستگی‌های بنیادین نقش دائمی و جهت‌دهنده دارند، در هیچ حالتی ارزش خود را از دست نمی‌دهند. همبستگی‌های بنیادین در بطن خود هدفمند و روشن‌گر هستند. روش‌های بنیادین نوعی کنترل اجتماعی را غیر مستقیم و تدریجی و مشروط فراهم می‌کنند. تحریک‌کننده و تقسیم‌کننده نیستند. همبستگی بنیادی امیدآفرین است. انسان مؤمنی که در جهت همبستگی گام بر می‌دارد، تزریق ناامیدی به جامعه، معصیتی نابخشودنی است. لذا این قسمت مقدم بر قسم دوم است. از طرفی در فرهنگ دینی شیوه‌های کنترل بر اساس تقسیم کنترل به مستقیم و غیر مستقیم، مباحث مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات و بررسی کج‌روی‌ها برای به دست آوردن ابزارهای کارآمد برای مقابله با انحرافات و ناهنجاریهای اجتماعی و رسیدن به کنترل اجتماعی است، که می‌تواند صله رحم، استفاده از روش تشویق و پیشگیری، تبیین و اقناع، اصلاح ذات البین، تشویق حس مسئولیت و توجه به نقش پدر و مادر در کنترل از آسیب‌های اجتماعی و فراهم کردن فرهنگ فعالیت و ایجاد اشتغال به این مسئله کمک می‌کند.

منابع

احمدی، حبیب (۱۳۸۴)؛ **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات سمت.

آرون، ریمون، ترجمه باقر پرهام، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۶ش.

ایازی، سید محمدعلی ایازی، نسبت میان اخلاق با دین و شریعت، ۱۳۸۹، سخنرانی در انجمن مهندسان تهران. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق. پوریانی محمدحسین، کنترل (نظارت) اجتماعی در پیشگیری و حفاظت اجتماعی، فصلنامه بصیرت، سال دوازدهم، ش ۳۴.

جاناناتان اچ. ترنر، ترجمه محمد عزیز بختیاری. محمد فولادی، قم، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸ش.

حرانی، ابن شعبه، تُحْفُ الْعُقُولِ فِيمَا جَاءَ مِنَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ مِنْ آلِ الرَّسُولِ، بیروت، دارالاعلمی، ۱۹۹۲م.

حسامی، فاضل، همبستگی اجتماعی در قرآن، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش ۴، ۱۳۹۰ش.

دورکیم، امیل، ترجمه علی محمد کاروان، قواعد روش جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ش.

دورکیم، امیل، ترجمه باقر پرهام، درباره تقسیم کار اجتماعی، کتابسرای بابل، ۱۳۶۹ش.

دورکیم، امیل (۱۳۵۹)؛ تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، بی جا، قلم.

دورکیم، امیل (۱۳۷۸)؛ خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳ب)؛ قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دورکیم، امیل (۱۳۸۴)؛ درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ج دوم، تهران: نشر مرکز.

دلینی، تیم (۱۳۸۷)؛ نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و صدیق طلوعی، تهران: نشر نی.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)؛ درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.

ستوده، هدایت الله (۱۳۹۶)؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌های اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.

ستوده، هدایت اله (۱۳۷۸)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.

سلیمی، علی، داوری، محمد، جامعه‌شناسی کج‌روی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.

ستوده، هدایت الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۴ش.

شفا زاده، احمد، بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن، راهبرد اجتماعی فرهنگی سال هشتم، ش ۳۳، ۱۳۹۸ش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، خصال،

صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۶)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

- ضمیری، محمد رضا، حسینی، محمد علی، شفا زاده، احمد، بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه احادیث، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال هفتم، ش ۳، ۱۳۹۸ش.
- طباطبایی، محمد حسین روابط اجتماعی در اسلام، انتشارات بعثت، قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- علمی، قربان (۱۳۸۲): بررسی منشأ دین از دیدگاه دورکیم و طباطبایی، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، شماره ۵۹، ۸۹-۵۷.
- علمی، قربان، بررسی منشأ دین از دیدگاه دورکیم و طباطبایی، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۵۹، ۱۳۸۲ش.
- غفاری فر، حسن، نظارت و کنترل اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۷، ۱۳۸۱ش.
- فروزنده، لطف الله، نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی، مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، ش ۵۲، ۱۳۸۵ش.
- فتحی یوسف، رابطه حمایتی خانواده و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر کنترل اجتماعی از منظر قرآن، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲۸، ۱۳۹۶ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، اصفهان مکتب امیرالمؤمنین، ۱۳۶۴.
- کرایب، یان، (۱۳۸۶)، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات آگاه.
- کوشا، غلام حیدر، کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۳، ۱۳۸۹ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، اسلامیة. ۱۳۵۴ش.
- کوئن، بروس، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی - دکتر رضا فاضل، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- کوئن، بروس، (۱۹۳۸)، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی - دکتر رضا فاضل، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۶ش.
- کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، انتشارات ارسباران، ۱۳۸۴ش.
- کوشا، غلام حیدر، بررسی انتقادی مبانی نظریه‌های اجتماعی دین، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پایپروس، ۱۳۹۶ش.
- کاوه، سید امیر (۱۳۹۳): نظارت اجتماعی در اسلام، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره چهاردهم، صفحه ۳۴-۹.
- کوزر، لوییس (۱۳۸۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

- گیدنز، آنتونی، ترجمه حسن چاوشیان، *گزیده جامعه‌شناسی*، تهران، نی، ۱۳۹۰ش.
- گیدنز، آنتونی، ترجمه منوچهر صبوری، *جامعه‌شناسی*، تهران، نی، ۱۳۸۹ش.
- گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۸۴)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، به کوشش محمد جواد زاهدی، ج ۲، تهران: انتشارات مازیار.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، دارالوفا، ۱۴۰۱ق.
- متولی زاده نایینی، نفیسه، *نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات قرآن و روایات با تأکید بر تعاون و حمایت*، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، ش ۳۳، ۱۳۹۷ش.
- مهدوی همپا، خدیجه، اسلامی، رضا، داوری، محمد، *مکانیزم‌ها و نظام کنترل اجتماعی بر اساس فقه امامیه*، دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال یازدهم، ش ۲۱، ۱۳۹۸ش.
- میر عرب، فرج الله، کریمی، محمد کاظم، *درآمدی بر همنوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم*، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، ش ۴، ۱۳۹۴ش.
- محسنی تبریزی، علیرضا و حفیظ الله فولادی (۱۳۹۴)؛ *مجازات آخرین راهکار کنترل انحرافات اجتماعی با تأکید بر دیدگاه امام علی در نهج البلاغه*، مجله نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۲.
- نیک گهر، عبدالحسین، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، رایزن، ۱۳۷۱ش.
- وارنوک، مری (۱۳۸۰)؛ *فلسفه اخلاق در قرن بیستم*، ترجمه ابوالقاسم فنایی، قم، بوستان کتاب.
- وثوقی، منصور. نیک خلق، علی اکبر، *مبانی جامعه‌شناسی*، انتشارات خردمند، کسری، ۱۳۷۰ش.
- هلاکویی، فرهنگ، *جامعه امروز (مقدمه ای بر جامعه‌شناسی)*، تهران، چاپخانه جلالی، ۱۳۳۶ش.
- هیوز، استیورات (۱۳۶۹)؛ *آگاهی و جامعه*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.